

نقش سبک زندگی در پیشگیری از جرائم

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۱۲/۱۸)

دکتر حسین یاراحمدی^۱

پروانه بابایی

چکیده

با وجودی که این روزها همه از سبک زندگی حرف می‌زنند، هنوز روی تعریف سبک زندگی اتفاق نظر وجود ندارد. البته نباید چنین انتظاری هم داشته باشیم. روانشناسان، جامعه‌شناسان، بازاریابان، اقتصاددان‌ها، سیاستمداران و سایر متخصصان، این اصطلاح را برای نیازهای متفاوتی به کار می‌برند و طبیعی است هر کدام، تعریف خاص خود را نیز مد نظر داشته باشند و آن را به سبک متفاوتی مفهوم پردازی کنند. سبک زندگی راه و روش زندگی افراد، خانواده‌ها (خانوارها) و جامعه در مواجهه با محیط‌های فیزیکی، روانی، جامعه و محیط اقتصادی است که به صورت روزانه نمایان می‌شود. بحث «سبک زندگی» را می‌توان بحثی مرتبط با زندگی مدرن یا زندگی در جوامع شهری جدید دانست. اهمیت سبک زندگی را به خصوص در عصر حاضر تقریباً در همه مناسبات علمی و غیرعلمی و در همه امور جاری زندگی می‌توان مشاهده نمود. جایگاه و اهمیت مفهوم سبک زندگی در دنیای امروز تا حد مطالعات راهبردی و استراتژیک افزایش یافته است. شاهد این ادعا، مطالعات، پژوهش‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع سبک زندگی است که توسط مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام انجام گرفته است. با توجه به اهمیت این موضوع و پیشگیری از ارتکاب جرم و تخلفات متفاوت فردیو اجتماعی، قصد داریم در مقاله حاضر که با روش تحلیلی-توصیفی نگارش شده است به بررسی نقش سبک زندگی در پیشگیری از جرائم بپردازیم.

واژگان کلیدی: سبک زندمگی، پیشگیری از جرم، پیشگیری غیر کیفری، ارتکاب جرم

بخش اول: کلیات

«هویت فردی» (Personal Identity) از طریق مراحل مختلف فردی شکل داده می شود و توسعه می یابد. از طریق هویت فردی است، که یک فرد می تواند به تنهایی و دور از دیگران ظرفیت لازم برای زندگی را درون خود ایجاد کند. ظرفیتی که نهایتاً منجر به شکل گیری شخصیت فرد می شود. لذا اولین کارکرد هویت، تثبیت شخصیت فرد است. منظور از شخصیت همان ویژگی ها و مشخصه هایی است، که فرد باور دارد، و تنها و تنها منحصر به خودش است. در این حالت، «هویت به عنوان ابزاری در راستای تقویت و تثبیت مفاهیم فرد در مورد خودش عمل می کند.» (پرویزی، ۱۳۷۹: ۵۵) لذا در نتیجه تثبیت هویت فردی است، که یک فرد می تواند در مورد خودش صحبت کند و به دیگران بگوید، که واقعاً چه کسی است؟ هویت فردی شامل تجارب، افکار، رویاها و آرزوهایی است، که در مقایسه با دیگر تجارب و افکار، توسط فرد تفسیر شده، ادراک می شوند. بنابراین هویت شخصی را می توان به عنوان سیستمی منحصر به فرد از روابط میان تجارب، افکار، رویاها، امیدها و آرزوها تعریف کرد. (نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۶۳).

هویت کارکرد اجتماعی نیز برای فرد دارد. جدای از اینکه هر فرد مایل است، هویت فردی و منحصر به فرد خود را داشته باشد، اغلب مردم تمایل دارند، تا به عنوان عضوی از جامعه و فرهنگ رایج در آن جامعه قلمداد شوند و در یکی از گروه های متنوعی که در آن جامعه وجود دارد، عضویت داشته باشند. لذا از طریق هویت اجتماعی است که یک فرد می تواند به عضویت گروه های مختلف درآید و نقشهایی را که در این گروه ها از وی انتظار می رود، فرا گیرد و اجرا کند. این جنبه از هویت باعث می شود فرد با بافت های اجتماعی گوناگون هماهنگ و یکپارچه شود (میرعمادی، ۱۳۷۸: ۳۱). همچنین از سوی دیگر هویت افراد در یک جامعه از طریق سبک زندگی انتخابی آنها تولید و بازتولید می شود. این سازوکار بیش و پیش از هر چیز، از خلال درونی کردن رفتارها و باورها، در ظرف روزمرگی عمل می کند. بدین ترتیب افراد و گروه ها اغلب به صورت ناآگاهانه و بدون آنکه نیازی به فشار بیرونی باشد، همان گونه رفتار می کنند که باید، و از این طریق سیستم موجود را دائماً و در هر لحظه بازتولید می کنند. هر اندازه این سازوکارها درونی تر شود، سیستم تضمین بیشتری برای تداوم

خود دارد. و بر عکس هر اندازه به جای درونی شدن از سازوکارهای قدرتمدارانه و بیرونی - برای نمونه از یک سیستم کنترل و الزام اجتماعی برای تحمیل یک شیوه زندگی خاص - استفاده شود، سیستم شکننده تر، تداوم آن ضعیف تر و واقعیت آن سطحی تر می شود (Bourdieu, ۱۹۸۴: ۱۵۷). در برخی موارد، حکومت ها با مشروعیت دادن به برخی سبک های زندگی، سبک های دیگر را زیرزمینی می کنند. وقتی این اتفاق می افتد، افراد جامعه دچار چندگانگی می شوند. لازمه زندگی در چنین محیطی تفکیک در حوزه زندگی خصوصی و رفتار عمومی است. افراد برای اینکه میان علایق خود و انتظارات محیط تعادل برقرار کنند، هویت های متکثر و چندگانه و حتی گاهی متضاد را بر می گزینند. (نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۷۳).

بخش دوم: لزوم توجه به روش های پیشگیرانه غیر کیفری

از زمان ظهور تفکر علمی در مورد جرم و پیشگیری، تمام توجه جرم شناسان متوجه شخص مجرم و شیوه های مهار بزهکاری یا اصلاح و درمان مجرمین بود. بر این اساس سنگ بنای سیاست جنایی را چه در بعد کیفری و چه غیر کیفری، مرتکب جرم تشکیل می داد. اما از چند دهه قبل یعنی از سال ۱۹۴۰ که گروهی از جرم شناسان به دنبال حل معمای بزهکاری و علت شناسی جرم، پژوهش های خود را بر روی کنشگر دیگر بزهکاری، یعنی «بزه دیده» که در واقع، خود به تنهایی بازیگر نیمی از صحنه جرم می باشد متمرکز نمودند، جزء در مورد جرایم بدون قربانی، جرم را به عنوان یک رابطه بزهکار و بزه دیده مورد توجه قرار دادند. (نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۲۹). از دید این محققان، برای وقوع یک جرم، تقارن سه عنصر ضروری است، این سه عنصر عبارتند از:

- وجود یک مرتکب با انگیزه
- مهارت و ابزار لازم برای ارتکاب جرم
- وجود یک آماج محافظت نشده

مبارزه با عناصر اول و دوم در عمل غیر ممکن است؛ زیرا همه مجرمین بالقوه شناخته شده نیستند تا میل و انگیزه آنان برای ارتکاب جرم قابل سرکوبی باشد. ضمن اینکه سرکوبی آنان ممکن است با نقض موازین حقوق همراه باشد (رحمدل، ۱۳۸۳: ۵۱).

اما در مورد ابزارهای ارتکاب جرم ممنوع کردن همه آنها غیر ممکن است. به این ترتیب تنها راه مبارزه، تقلیل موقعیت‌های ارتکاب جرم برای مجرمین است. این بحث، توجه به رویکردهای غیر کیفری را در حوزه مطالعات پیشگیری از جرم به طور جدی مطرح ساخت، و در این میان، توجه به سبک زندگی، به عنوان یکی از اشکال پیشگیری غیر کیفری جرم، در کانون توجه محققان قرار گرفت. محققانی چون «وود» بر این باور بودند که در زمینه پیشگیری غیر کیفری، می‌توان با کاهش یا حذف عوامل جرم‌زای محیطی و فردی، به طور مستقیم از مجرم شدن افراد پیشگیری نمود. بنابراین، کلیه تدابیر پیشگیری برای ارتکاب جرم می‌بایست به عنوان سیاست جنایی یک دولت مطرح باشد و برای رسیدن به این هدف نیز، دولت می‌تواند از همیاری و مشارکت گسترده مردم، بهره‌مند گردد (فرجی، ۱۳۸۶: ۵۶). «وود» اولین کسی بود که به رابطه میان جرم و محیط فیزیکی اشاره کرد. وی معتقد بود که پیشرفت در امر ساختمان سازی منجر به ایجاد موانع و محدودیت‌هایی در روابط ساکنین می‌گردد. (نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۴۳).

از سوی دیگر یکی از کارشناسان علاقه مند به روش های پیشگیرانه غیر کیفری در مطالعات جرم شناختی، «اسکار نیومن» بود. نظریات وود، اسکار نیومن را به مطرح نمودن نظریه «فضای قابل دفاع» ترغیب نمود (فرجی، ۱۳۸۶: ۵۹). نیومن که یک مهندس معماری بود طراحی ساختمان هایی را که به صورت مجتمع ساخته شده بودند را به دلایل مختلف مورد انتقاد قرار داد. وی ادعا می کرد که چنین مجتمع هایی به خاطر داشتن ورودی و خروجی های متعدد و محوطه های عمومی و کنترل نشده از سایر انواع ساختمان ها در برابر برخی جرایم مثل سرقت آسیب پذیرترند. نیومن پیشنهاد کرد که این گونه معایب با افزایش کنترل و کاهش راه های فرار مرتکبین و حذف یا استفاده مفید و بهینه از محیط ها و ممرهایی که عبور و مرور در آنها کم است قابل رفع است (صفاری، ۱۳۸۰: ۳۰۰).

نیومن معتقد بود که تغییرات حاصله در شکل و نقشه محیط، قادر است گرایش ها و نگرش های پنهان ساکنان آپارتمان ها را در حفظ حریم شان آشکار ساخته و آنها را به در پیش گرفتن رفتارهای مناسبی، برای مراقبت از حقوق و اموالشان وادار نماید. این قبیل رفتارها، به مرور

زمان و در اثر تکرار، به صورت جزئی از فعالیت‌ها و عادات روزمره آنان در می‌آیند و می‌تواند به عنوان عامل مهمی در برابر رفتارهای ضد اجتماعی عمل کنند (فرجی، ۱۳۸۶: ۶۴). به اعتقاد طرفداران رویکرد پیشگیری غیر کیفری از جرم، چنین یافته‌هایی توسط تئوری‌های متقدم (اشاره به مکاتب کلاسیک و پوزیتیویسم خصوصا از نوع لمبروزویی آن) قابل درک، تبیین و تفسیر نیست. زیرا چنین منظره‌هایی از جرم و ارتکاب آن، به رغم اشاراتی که به تأثیر جزئی عواملی از این دست در رفتار و تصمیم‌گیری انسان‌ها داشته‌اند اما تأثیر دراز مدت عوامل زیستی- روانی، تربیتی، فرهنگی و امثال آن در شکل‌گیری و جهت رفتار انسان و خصوصا تصمیم‌گیری‌های او تعیین‌کننده‌تر می‌دانند. این برداشت با زیر بنای فکری رویکرد وضعی و تأکید و تکیه آن بر تأثیر عوامل گذرا و وضعی در ارتکاب جرم و نحوه پیشگیری از آن فاصله زیاد و تفاوت اساسی دارد. (نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۸۲).

بخش سوم: بررسی و شناخت اقسام پیشگیری از جرم

از نقطه نظر علمی، پیشگیری اگر در مفهوم موسع کلمه به کار برده شود طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری در برمی‌گیرد. اما اگر در مفهوم مضیق کلمه به کار برده شود فقط تدابیر غیر کیفری را در بر می‌گیرد.

بند اول: پیشگیری کیفری و غیر کیفری

مبانی نظری پیشگیری کیفری اصرار بر روش‌های رسمی یا قانونی برخورد با جرم یعنی اعمال مجازات و اقدامات مؤثرتر برای دستگیری مرتکبین یعنی تقویت پلیس و دستگاه قضایی است این دیدگاه از عصر روشنگری تاکنون دیدگاه غالب بر نظام قضایی بوده است تنها تفاوت دیدگاه جدید مربوط به تأثیر مجازات با دیدگاه‌های قدیمی‌تر آن که در تفکرات شخصیت‌هایی همچون بکاریا و بنتام و امثال آنها قابل مشاهده است اختلاف در ابزارها و کیفیت کاربرد آنها برای تأمین هدف مزبور است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۲: ۹۸). البته اگرچه سزار بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها به نقش پیشگیری علیرغم اینکه تأکید به مجازات می‌نماید اشاره داشته و پیشگیری از وقوع جرایم را بهتر از کیفر دادن می‌داند، بنتام نیز همچون بکاریا در اوایل سده هجدهم راه کارها یا راه حل‌های پیشگیرانه آموزش

مکمل کیفر برای مهار بهتر بزهکاری مطرح می‌کند. پیشگیری کیفری با تهدید کیفری تابعان حقوق کیفری از یک سو و به اجراء گذاشتن این تهدید از طریق مجازات کسانی که ممنوعیت های کیفری را نقض کرده اند از سوی دیگر در مقام پیشگیری عام و پیشگیری خاص از جرم است (هاستینگ، ۱۳۸۹: ۶۵). اما پیشگیری واکنشی عام بر این ایده استوار است که اجرای مجازات در مورد بزهکاران سبب ترس دیگران از ارتکاب جرم و در نتیجه مانع بزهکاری آنها می‌شود و در پیشگیری واکنشی خاص مجازات باید کمک کند تا جرمی که به وقوع پیوسته دیگر بار توسط خود مجرم تکرار نشود (نوربها، ۱۳۸۳: ۲۹).

نوع دیگر از پیشگیری ها در تقسیم بندی، پیشگیری غیر کیفری است که در مقابل پیشگیری کیفری قرار می‌گیرد در واقع ایرادات وارد بر صرف تهدید بالقوه به مجازات و یا اجرای مجازات، شدت آن عدم تناسب جرم و مجازات و بی توجهی به شخصیت مجرم و اوضاع و احوال ارتکاب جرم متولیان امر را به سوی توجه به عدم مداخله نظام کیفری فرا می‌خواند و در این راستا پیشگیری از نوع دیگری مطرح می‌شود.

بند دوم: پیشگیری اجتماعی و وضعی

پیشگیری غیر کیفری را در یک دسته بندی کلاسیک و رایج به پیشگیری اجتماعی که بیشتر با تأمین حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم در سطح جامعه محقق می‌شود و پیشگیری وضعی که باید با رعایت حقوق و آزادیهای مدنی و سیاسی مردم به اجراء گذاشته شود تا جنبه عادلانه - منصفانه به خود گیرد تقسیم کرده اند (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۹۷).

پیشگیری - اصلاحی یا اجتماعی - از طریق اعمال اصلاحات فردی و اجتماعی زیربنای اصلی و اساسی رویکرد پیشگیری اجتماعی است. پیروان این نظریه که به پوزیتیویست یا پیروان تحقیقی (تحصلی یا اثباتی) معروف هستند بر این عقیده اند که از طریق شناخت علل ارتکاب جرم (اعم از فردی و اجتماعی) و برطرف کردن آنها با انجام اصلاحات فردی و اجتماعی، مثل درمان بیماریها و نارسهائی های (ناهنجاریهای) جسمی و روحی مرتکبین، بالابردن ارزشهای اجتماعی و ثبات و وابستگی به آنها، تقویت نهادهای اجتماعی مثل خانواده و مدرسه، توسعه و تعالی فرصتهای اقتصادی، تحصیلی و تفری حی، مسکن و امثال

اینها، می توان از ایجاد تمایلات مجرمانه در افراد جلوگیری کرد و نهایتاً آنها را از غرق شدن یا کشیده شدن به سوی شیوه های مجرمانه زندگی نجات داد.

پیشگیری اجتماعی مجموعه تدابیر و اقدامات پیشگیرنده ای است که در پی حذف یا خنثی کردن عوامل اثر گذار بر تکوین جرم می باشند. اندیشه بهره جستن از پیشگیری اجتماعی برای نخستین بار توسط انریکو فری مطرح گردید. وی بر این باور بود که تدابیر اجتماعی جایگزین کیفرها، بهتر و اثرگذارتر از مجازات، جلوی بزهکاری را می گیرند. این پیشگیری با ایجاد تغییرات و اصلاحات در فرد و جامعه به دنبال جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است. پیشگیری مزبور درصدد آن است که اعضای جامعه را از طریق آموزش، تربیت، تشویق و تنبیه با قواعد اجتماعی آشنا و همنوا کند. به عبارت دیگر این پیشگیری کاهش یا از بین بردن علل فردی یا اجتماعی اثرگذار بر بزهکاری را دنبال می کند، پیشگیری اجتماعی یک «پیشگیری کنشی فرد مدار» است بدین صورت که با بهره گیری از تدابیر و اقدامات پیشینی درصدد شخصیت سازی و اثرگذاری بر فرآیند شکل گیری شخصیت افراد است. این پیشگیری بدین جهت پیشگیری اجتماعی نامیده شده است که نتیجه تجربیات اجتماعی بدون مداخله بخش های پلیس و دادگستری برای مبارزه با ناسازگاری جوانان بزهکار و محیط آنهاست. (نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۹۳). اما پیشگیری وضعی، که محور بحث پژوهش حاضر است، عبارت است از اقدام به محدود کردن فرصت های ارتکاب جرم یا مشکل تر کردن تحقق این فرصت برای مجرمین بالقوه. در پیشگیری وضعی به دنبال اثرگذاری بر موقعیت ها و وضعیت هایی هستیم که بروز رفتار تهاجمی یا تملک آمیز هستیم تا بروز جرائم همراه با نیرنگ یا خشونت را محدود و کنترل کنیم. پرکردن خلاءهای فردی و اصلاح نارسایی هایی که در وجود افراد وجود دارد، و آنها را مستعد بزهکار یا بزه دیده واقع شدن می کند، در حوزه ی پیشگیری های فردمدار قرار می گیرند. توجه به اطفال و نوجوانان نیز از مهمترین ابعاد پیشگیری است که در پیشگیری رشدمدار مورد توجه خاص است.

بخش چهارم: تأثیر سبک زندگی مجرم بر ارتکاب جرم

همان طور که می دانیم، در نظریه سبک زندگی، محققان در پی فهم این مساله اند که چرا برخی گروه های خاص از مردم بیش از دیگران در خطر بزه دیدگی قرار دارند. پاسخ آن ها این بود که شیوه زندگی افراد به نرخ های متفاوت مجرم زایی می انجامد. این شیوه های زندگی به وسیله فعالیت های روزانه در زمینه کاری و تفریحی، شکل می گیرد. (کوسن، ۱۳۸۵: ۲۵۸) طبق این نظریه، هر قدر یک فرد شیوه زندگی بازتری داشته باشد یعنی فعالیت های شغلی و تفریحی و اوقات فراغت وی بیشتر باشد احتمال بزه دیده شدن او بیشتر است. هر چقدر یک شخص با افراد بزهکار یا با محیط های مجرمانه یا محیط های خطرناک یا در زمانهای خطرناک بیشتر رفت و آمد کند شانس بزه دیدگی خود را افزایش می دهد. کسانی که در مرکز شهر زندگی می کنند نسبت به کسانی که در محله های دور دست زندگی می کنند بیشتر شانس بزه دیدگی دارند. جوان ها برخلاف تصور ما که بیشتر مجرم می شوند، اتفاقاً به جهت شیوه زندگی بازتری که دارند شانس بزه دیدگی آن ها بیشتر است، زیرا در مقایسه با افراد مسن شیوه و مدل زندگی آن ها براساس فعالیت است و نه براساس انفعال. (Bugajska, J., Lastowiecka, E ۲۰۰۵: ۲۴۷)

نظریه سبک زندگی در واقع چنین عنوان می کند که مردان (ترجیحاً جوان و ترجیحاً مجرد و ترجیحاً شهرنشین و بیکار یا کم درآمد) بیشتر در معرض بزه دیدگی هستند. بزهکاران، این سیبل ها را انتخاب می کنند. افراد مسن کمتر بزه دیده می شوند، چون شیوه زندگی آن ها بسته تر و محتاطانه تر است. همچنین است وضع زنان زیرا آن ها می دانند که سیبل جرم هستند، لذا احتیاطات لازم را به عمل می آورند. به عبارت دیگر، سبک های زندگی به وسیله سه عامل پایه ای تحت تأثیر قرار می گیرد:

۱- «نقش های اجتماعی» که به وسیله مردم در جامعه ایفاء می شود؛ مثلاً جوانان احتمال بیشتری برای بزه دیدگی را دارند، زیرا دارای نقش های اجتماعی هستند که نیازمند فعالیت های اجتماعی پیاپی در خارج از منزل به ویژه شب است.

۲- «موقعیت در ساختار اجتماعی»: هرچه یک فرد از موقعیت بالاتری برخوردار باشد، خطر بزه دیدگی او پایین تر است و این به دلیل نوع فعالیت هایی است که فرد انجام می دهد و مکان هایی است که در آن رفت و آمد می کند.

۳- سومین عامل «جزء عقلانی» است که در آن، تصمیمات در مورد اینکه چه رفتارهایی مطلوب است گرفته می شود. مثلاً جوانان با انتخاب درگیر شدن در فعالیت های با سطح خطر بالا مانند رفتن به باشگاه های شبانه، احتمال بزه دیدگی خویش را افزایش می دهند. مباحث مربوط به پیشگیری وضعی از جرم به عنوان راهکار جدید پیشگیرنده از بزهکاری و جانشین گونه های متعارف پیشگیری از جرم (به ویژه پیشگیری اجتماعی که به نظر برخی جرم شناسان کارنامه نامطلوبی از خود به جای گذاشته است) در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی عمدتاً در انگلستان مطرح، نظریه پردازی و اجرا شده است. پیش از این توضیح داده شد که اقدام های وضعی پیشگیرنده، ناظر به اوضاع، احوال و شرایطی است که مجرم را در آستانه ارتکاب جرم قرار می دهند. این اوضاع و احوال که در جرم شناسی وضعیت های ماقبل بزهکاری یا وضعیت های پیش جنایی نام دارند، فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تشدید کرده و نقش تعیین کننده ای در آن ایفا می کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۰)

ریموند گسن معتقد است که هدف پیشگیری وضعی، تحدید موقعیت های جرم است. او اضافه می کند در وسیع ترین معنا، این رهیافت متضمن تلاش گسترده ای است برای اینکه قربانیان احتمالی با تقلیل آسیب پذیری شان از راه تبدیل آنان به آماج های غیرقابل اصاب یا استمداد از خدمات خصوصی تأمینی در برابر جرم حمایت شوند. پس موضوع، عبارت است از محدود کردن موقعیت های ارتکاب جرم. ژرژ پیکا پیشگیری وضعی را اقدام به محدود کردن فرصت های ارتکاب جرم با مشکل تر کردن تحقق این فرصت برای مجرمان بالقوه می داند (پرویزی، ۱۳۷۹: ۱۶-۱۵)

بنا به تعبیری دیگر، از دید جرم شناسان بحث پیرامون پیشگیری وضعی مبتنی بر نظریه هایی است که در قالب نظریه فرصت های مجرمانه و انتخاب عقلانی جرم قرار می گیرند. اگر فرصت های ارتکاب جرم را عامل قاطع عمل مجرمانه بدانیم، مسلماً پیشگیری از بزهکاری را

باید اقدامی علیه فرصت های جرم به منظور حذف یا دست کم کاهش آنها تصور کنیم. در نهایت می توان از تعریف ران کلارک (۱۹۹۲) به عنوان یکی از مهم ترین و پرتعدادترین تعاریف پیشگیری وضعی جرم یاد کرد پیشگیری وضعی جرم به رویکرد پیشگیرانه ای اشاره دارد که به جای بهبود جامعه یا سازمان های آن، به طور ساده بر پیشگیری وضعی از کاهش موقعیت های جرم مبتنی است، از طریق سه روش کلی زیر موجب کاهش جرم می شود (گراهام، جان، ۱۳۹۱):

۱- طراحی محیط های امن؛

۲- سازمان دهی روش های کارآمد؛

۳- گسترش محصولات مطمئن و بی خطر نظیر ماشین ها، رادیو و... که سبب سخت تر شدن ارتکاب سرقت و سوءاستفاده های احتمالی شود (Felson, ۲۰۰۸: ۲۹۷)

پیشگیری وضعی مبتنی بر دو نظریه فرصت و انتخاب عقلانی است. به هر حال ترکیب این نظریه ها به یک شکل، رهیافت نظری منحصر به فردی را به وجود می آورد. کلارک این رهیافت نظری را با آنچه که او بنیادهای وضعیتی جرم شناسی سنتی می داند، مقایسه می کند که در آن علت های جرم به وقایعی که در گذشته فرد رخ داده است، بر می گردد. در عوض کلارک می گوید، نظریه پیشگیری وضعی جرم، مبتنی بر این نظر است که انگیزه جرم در نتیجه (و نه بیشتر) ترکیب متغیرهای موقعیتی بینابینی، ویژگی های منحصر به فرد گذشته افراد و عوامل مربوط به زندگی حال حاضر آنها ایجاد می شود. در نظریه سبک زندگی، الگوی پیشگیرانه، بر اساس مفهوم خطر دنبال می شود. از این منظر بسیار ضروری است که روشن شود چرا برخی از گروه های انسانی بیشتر از دیگران در معرض خطر بزه دیدگی قرار دارند. طبعاً اگر بتوان این عوامل را بازشناسی کرد، می شود از آن به عنوان یک عامل بازدارنده و پیشگیرانه در بحث بزه بهره برد. فردسون و گاروفالو بر این باورند که الگوهای عملکرد یا شیوه سبک زندگی افراد، تحت تأثیر سه عامل قرار دارد که در زیر معرفی می شود:

۱- نقش اجتماعی: اولین عامل، نقش اجتماعی افراد در جامعه است. به عبارت دیگر اینکه فرد دارای چه نقشی در جامعه بوده و بر اساس آن نقش چه روابط و مناسباتی با دیگر افراد و اقشار اجتماعی دارد، تبعات جرم شناختی مختلفی را به همراه خواهد داشت.

۲- موقعیت فرد در ساختار اجتماعی: عنصر دوم، موقعیت فرد در ساختار اجتماعی است. معمولاً هر چه قدرت موقعیت فرد بالاتر باشد، خطر بزه دیدگی کمتر است.

۳- عقلانیت: پیش از این نیز اشاره کردیم که عامل «عقلانیت» عامل مهمی در افزایش یا کاهش احتمال بزهکاری یا بزه دیدگی است. عقلانیت سبب می شود افراد دوباره اینکه چه رفتارهایی مطلوب و چه رفتارهایی ناپسند است، روش های مختلفی اتخاذ کنند. (نصیری سقرلو، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

بنابراین، طبعاً می توان با ملاحظه عواملی همچون نقش اجتماعی فرد، موقعیت اجتماعی او و میزان عقلانیتی که در زندگی روزمره به کار می گیرد، احتمال بزهکاری یا بزه دیدگی او را پیش بینی نمود، و تمهیدات لازم را برای رفع خطر لحاظ کرد. به بیان دیگر، با در نظر گرفتن متغیرهایی که مطرح شد (نقش اجتماعی، موقعیت در ساختار اجتماعی، عقلانیت)، می توان میزان احتمال بزه دیدگی افراد قابل پیش بینی کرده و کاهش داد.

به عنوان مثال کسانی که به واسطه نقش و موقعیت اجتماعی شان، تعامل بیشتری با مجرمان و مکان های جرم خیز دارند، خطر و احتمال بزه دیدگی شان بیشتر است و برعکس، افرادی که متعلق به طبقات بالای اجتماع بوده و به واسطه شیوه و سبک زندگی شان با مجرمان و محل های جرم خیز سروکاری ندارند، با خطر بزه دیدگی کمتری مواجه هستند. (اکبری، ۱۳۸۰: ۸۶۹)

بخش پنجم: نقش سبک زندگی فردی در پیشگیری از جرم

افراد همواره درصددند به نحوی مانع از متضرر شدن خویش شده و یا خود را از گزند انواع جرم و بزه دور نگاه دارند. این مسأله ای طبیعی و امروزه یکی از اصول اولیه زندگی در کلان شهرهاست. اساساً به همین دلیل است که هر روزه شاهد شکل گیری انواع متفاوتی از اصول و روش ها و ابزارهای امنیتی و حفاظت شخصی هستیم. به همین خاطر است که افراد تمایل دارند درهای خانه را با نرده های آهنین قفل نموده و فضای زندگی شخصی شان رد خانه را با

ایجاد حصارهای بلند در اطراف منزل، حفظ کنند. یا اینکه پول های خود را در بانک می گذارند، اشیا قیمتی خود را در معرض دید قرار نمی دهند، در ساعات خاصی از شبانه روز مانع از بیرون رفتن اعضای خانواده می شوند، در محلات نا امن رفت و آمد نمی کنند، مانع از حضور فرزندان شان در فضای مجازی می شوند، و غیره. اینها همه اشکال مختلفی از حفاظت در زندگی فردی و خانوادگی است که در قالب سبک های زندگی مختلف صورت می پذیرد. (بکاریا، سزار، ۱۳۹۱: ۳۴۸) سبک خاص زندگی هر فرد، در اینکه زندگی او به کدام سمت و سو کشیده شود ارتباط مستقیم دارد. سبک زندگی افراد، در قالب طرز تفکر و باورهای آنها، شیوه گذران روز و شب، کار و شغل و محل زندگی، تحصیلات، عادات غذایی، نوع پوشش، روابط انسانی، ارتباط با خانواده و دوستان، شیوه خرج پول و غیره همگی اشکال مختلفی از سبک زندگی شخصی را می سازد و این مجموع مناسبات و علایق و شیوه های زندگی روزانه، می تواند ارتباط مستقیم یا گاه غیرمستقیم با موضوع جرم و بزه پیدا کند. نحوه پرورش نوجوانان و جوانان در خانواده، نوع خاص تفریحات آنها، روابط آنها با گروه دوستان و همسالان، تاثیرپذیری آنها از رسانه های جمعی، میزان حضورشان در فضای مجازی و سایر، و غیره هر کدام نوعی از فضای امن یا ناامن را پدید آورده و فرد را در معرض نوعی از بزه یا جرم قرار می دهد. (Adler, A. ۱۹۵۶:۴۵۸) مطالعات نشان داده است که افراد جوان و مجرد که اکثرا بیش از دیگران دچار خسران و زیان و ضرر می شوند، انتخاب هایی را تحت تاثیر شیوه و سبک زندگی شان برمی گزینند که در این نتایج تاثیرگذار است. کرامر در پژوهشی نشان داد که که جوانانی که بیش از دیگران عادت به خوردن شام در بیرون از منزل (رستوران ها، کلفی شاپ ها، بارها و کلوب های شبانه) دارند، بیش از دیگران در نیز در معرض خطر بزه قرار می گیرند. (فاطمی، ۱۳۸۴: ۶۱۷)

کوهن و فلسون نیز در تحقیق خود پیرامون سبک زندگی و تاثیر آن در بزهکاری (۱۹۷۹)، دریافته اند که ارتکاب جرم توسط مجرم (که به شکارچی تشبه شده) ارتباط نزدیکی با دیدار فیزیکی و نزدیکی مکانی مجرم بالقوه و هدف (طعمه) دارد. نظرسنجی که در سال ۱۹۸۹ صورت گرفت، نشان داد که افرادی که هر شب از خانه خارج می شوند، در مقایسه به افرادی که از خانه خارج نمی شوند، اغلب تا سه برابر بیشتر در معرض بزه و زیان مادی یا جانی قرار

می گیرند. در کانادا نیز شهروندانی که به طور دایمی از خانه خارج شده اند، در مقایسه با افرادی که به ندرت از خانه خارج شدند، به طور میانگین، دو برابر بیشتر قربانی بزه یا اعمال مجرمانه واقع گردیده اند. (بنت، اندی، ۱۳۷۹: ۳۴۸)

بخش ششم: نقش رسانه ها در پیشگیری از ارتکاب جرم و تقویت سبک زندگی مثبت

بدون شک اطلاع رسانی و ارتقای سطح آگاهی های عمومی شهروندان می تواند در پیشگیری از وقوع جرم و کاهش آسیب ها و ناهنجاری های اجتماعی موثر باشد. به همین خاطر اصحاب رسانه و مطبوعات می توانند در این زمینه پیشگام بوده و رسالت خود را به نحو مطلوب انجام دهند. در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه معمولاً شهروندان از آمار دقیق جرایم به نحو مقتضی، مطلع و حتی به طور منطقه ای از آن آگاه می شوند. بر همین اساس مراقبت ها و صیانت از اموال و جان خود و اطرافیان را افزایش می دهند. حال اگر سیمای جنایی هر شهر براساس مناطق جرم خیز و اماکن آلوده درست تبیین شود، برنامه ریزی برای برخورد و پیشگیری اصولی و صحیح نیز هدفمند خواهد شد. مسئله ناامنی و احساس ترس ناشی از پدیده مجرمانه از موضوعات شناخته شده در جامعه شناسی جنایی است و رشد بزهکاری بی تردید یکی از مسائل و معضلات جدی اجتماعی است. بنابراین صفحه حوادث روزنامه های کثیرالتنشار که یکی از صفحات پربیننده و جذاب هستند، می توانند القا کننده ناامنی، احساس ترس و غیره باشند یا بالعکس می توانند در پیشگیری از وقوع جرم و اطلاع رسانی نیز موثر باشند. بنابراین ضروری است سیاست های مدرن رسانه ای تعبیه گردد و حدود و ثغور نقش رسانه ها در کنترل اجتماعی و پیشگیری از جرایم و مبارزه با آن مشخص شود. از طرفی بین رسانه ها باید قائل به تفکیک شد. بعضی ها محل نظم و امنیت عمومی و اجتماعی می باشند که باید با آنها برخورد قانونی شود و از سوی دیگر به الگودهی رسانه های امنیت گستر باید توجه بیشتر شود و به عبارتی بعضی مطبوعات احساس امنیت، اطلاع رسانی و ارتقای سطح آگاهی های عمومی را افزایش می دهند. به همین خاطر باید رسانه ها و مطبوعات با حقوق و تکالیف خود در قانون اساسی، قانون مطبوعات، حقوق رسانه ها و ابهامات و ضعف های قانونی بین مرز بازدارندگی از بزه و تشویق به بزهکاری آشنا شوند و نقاط مثبت عملکرد آنها در بحث

اطلاع رسانی و پیشگیری از وقوع جرم تقویت و نکات منفی عملکرد نیز پس از بررسی های کارشناسان، کاهش یابد. البته این امر نیاز به آسیب شناسی جدی دارد. هر چه ارتباط بین قوه قضائیه و اصحاب رسانه و مطبوعات تقویت شود و اخبار به موقع و مناسب و دقیق و هدفمند اطلاع رسانی شود، می تواند موثر و مفید فایده واقع شود و بعضی از رسانه ها از اخبار تصنعی یا اخباری که دلیل واقعی برای وجود آن ندارد، خودداری نمایند. تأثیراتی که رسانه ها، خبرنگاران و جراید می توانند در مقوله جرم زدایی داشته باشند حائز اهمیت است و می توان ادعا کرد که رسانه ها مهمترین ابزار نظارتی در جامعه می باشند. اگر در پیشگیری از وقوع جرم کوشش و تلاش مضاعف به عمل نیاید این امکان وجود دارد که انحراف در جامعه ریشه دار شده و توسعه پیدا کند که بعدها نتوان به آسانی آن را مهار کرد! از آنجایی که طبیعت آدمی خوپذیر و پندپذیر است و هیچ انسانی ذاتاً و فطرتاً منحرف آفریده نمی شود، فلذا تربیت پذیری انسان بسیاری از وقایع و مسائل را حل نموده و راه پیشگیری از وقوع جرم را آسان و امور مربوط به مسئولان و مورد انتظار جامعه را محقق خواهد ساخت، زیرا مجرمان و منحرفان جامعه همچون بیماران می باشند که مبتلا می شوند و قابل درمان هستند، اما این امر بایستی با روشی کارشناسانه، مدبرانه و توسط اندیشمندان، حقوقدانان برجسته، روانشناسان و کارشناسان خبره و تجارب آنها ارائه شود. به نظر می رسد باید برای کاهش جرایم و جلوگیری از بحران سیستم کیفری علاوه بر اتخاذ تدابیر لازم در کاهش بزهکاری باید تدابیر پیشگیرانه و اقدامات تأمینی و تربیتی صورت گیرد و گام های اساسی دیگری که نخستین گام حبس زدایی است در دستور کار مجلس قرار گیرد و از تعداد متهمانی که روانه زندان می شوند کاسته شود و به حداقل ممکن برسد و برای رسیدن به این مطلوب بایستی گسترش جانشین های کیفری و کیفرهای جانشین توسط قانونگذار وضع شود.

گام دوم، حذف مطلق حبس بدل از جریمه نقدی به ویژه حبس بدل از تعهدات مدنی است که با اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۶۶ میثاق حقوق بین المللی و سیاسی ۱۹۶۶ مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد تعارض دارد.

گام سوم افزایش سن مسئولیت کیفری است، زیرا مسئول کیفری دانستن دختران و پسران کم سن و سال علاوه بر مغایرت آن با اصول جرم‌شناسی، زیست‌شناسی و روانشناسی و تجارب به دست آمده موجب تورم جمعیت کیفری و در واقع تراکم محکومین به حبس خواهد شد. به نظر، راه‌های پیشگیری از وقوع به صور گوناگون امکان‌پذیر است که به چند مورد آن اشاره می‌کنم:

- ۱) یکی از راه‌های کاهش جرم در جامعه این است که از بزه‌دیدگی افراد جلوگیری کنیم و در کاهش مخاطرات و آسیب‌ها و صدمات هنگام وقوع جرم تدابیر ثمربخشی اتخاذ نماییم.
- ۲) موقعیت‌ها و مکان‌های جرم‌زا و وضعیت‌های مشکوک را شناسایی و به مردم با آگاهی‌سازی در مورد اماکن مشکوک و جرم‌خیز هشدار دهیم.
- ۳) اگر چه به موجب قانون کلیه قوانین به محض انتشار در روزنامه رسمی و گذشت پانزده روز از تاریخ انتشار لازم‌الاجرا است و جهل به قانون هم رافع مسئولیت کیفری نمی‌باشد اما به نظر تنها این یک فرض است و با واقعیت فاصله زیادی دارد، زیرا بسیاری از افراد اطلاع ندارند چه موضوعی جرم است و عمده علت این ناآگاهی، نارسایی و بحث اطلاع‌رسانی است که در این جا می‌توان نقش برجسته رسانه‌ها را در این زمینه مورد توجه قرار داد.
- ۴) رسالت رسانه‌ها ارتقای معلومات عمومی افراد و آموزش عمومی است و آموزش عام و همگانی در جهت جامعه‌پذیری و اجتماعی کردن شهروندان از اهم آنهاست.
- ۵) دولت باید برای رفع این مشکل و پیشگیری از وقوع جرم، طرح آموزش همگانی را با استفاده از رسانه‌های گروهی تدوین و جرم را در مرحله شکل‌گیری در نطفه خفه کند.
- ۶) خبرنگاران می‌توانند مراجع کیفری را از مقدمات جرایم آگاه و باعث شوند که جرم را در مرحله شکل‌گیری خنثی کنند. در این خصوص باز هم نمی‌توان نقش رسانه‌ها و قابلیت‌های مناسبی را که در این زمینه دارند و می‌توانند موقعیت‌های انتخاب جرم را افشا کنند نادیده گرفت.
- ۷) استفاده از آگاهی مردم از رسالت و ارائه پیام‌ها و گزارش‌ها و افشای برخی جرایم نیز از اهم مواردی است که می‌تواند وقوع جرایم را در مراحل ابتدایی برملا کند و موقعیت‌های محل جرم‌زا را خنثی نماید.

۸) رسانه‌ها قادرند جنبه‌های ترسانندگی مجازات را برجسته کنند تا همگان دریابند بزه‌کاران و اشخاصی که مرتکب جرم می‌شوند به سزای اعمال خود خواهند رسید و باز هم مدعی هشتم که خبرنگاران و اربابان جراید به عنوان زبان گویای افراد جامعه در این راستا واقعیت‌ها را به تصویر می‌کشند و خاطیان را شناسایی و رسوا می‌نمایند.

۹) پیش از نهادینه شدن یک کار سینمایی یا تلویزیونی و بهره‌برداری از ثمره کارشان، یک مشاور حقوقی یا کارشناس علم حقوق و یک جامعه‌شناس آگاه در این زمینه از ابتدا در کنار عوامل و سوژه سازندگان اثر، حضور مستمر داشته باشد که چنانچه فیلمنامه اشکالاتی از لحاظ مغایرت با قانون و عرف و شرع داشته باشد رفع گردد و هم گامی در جهت ایجاد جذابیت برداشته شود که متأسفانه هیچ‌گونه تعاملی بین بخش هنری و قضایی به طور وضوح مشاهده نمی‌شود. باید تعامل مذکور به گونه‌ای صورت گیرد تا با رسیدن به نقطه تعادل، جایگاه واقعی پلیس و قاضی در آثار هنری مشخص گردد.

۱۰) رسانه‌ها می‌توانند از مردم، نقل قول آنها و گفت و شنودشان استفاده و به راحتی پیام‌ها و گزارش‌های واقعی خود را ارائه کنند و در راستای افشای برخی جرایم، مسئولین امر را یاری دهند. مردم انتظار دارند به لحظه‌ای از ایثار آنان برسیم که به راحتی نقش، فداکاری و رسالت تلاششان را به وضوح لمس کنند، متخلفان احساس امنیت نکنند، برخورد قاطع با تخلف و متخلف سبب می‌شود که زمینه وقوع جرم را در آینده محو و نابود کند و جامعه احساس آسایش و امنیت نماید. پیشگیری مقدم از درمان است و این ضرب‌المثل متبادر به ذهن می‌شود که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد. بایستی جایگاه پیشگیری از وقوع جرم را قبل از رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات و حل و فصل خصومات قرار داد، زیرا ارتکاب جرم، آثار و تبعات زیان‌باری را هم بر شخص مجرم و هم بر اعضای جامعه وارد می‌کند و به هیچ‌وجه نمی‌تواند آثار و تبعات زیان‌بار و فرصت‌ها و حرمت‌های از دست رفته را جبران و مجرم و جامعه را به جایگاه قبل از وقوع جرم بازگرداند. متأسفانه مبارزه سرکوب‌گرانه یا به عبارتی استفاده از کیفر هرچند متنوع، در راستای اجرای قواعد حقوقی کیفری همیشه بعد از وقوع جرم صورت گرفته، در حالی که هدف از اجرای کیفر و تحمیل مجازات‌ها و حتی اقدامات تأمینی و تربیتی پیشگیری از وقوع جرم به صورت عام یا خاص

برای جلوگیری از تکرار جرم بوده که علی‌رغم تحول و دستیابی به فناوری در کنترل جرایم حتی نسبت به مجرمینی که سابقه ارتکاب بزهکاری داشته‌اند توفیق چندانی حاصل نشده است همان‌طور که هر روز شاهد صدها نمونه جرم و جنایت در صحنه روزگار و رسانه‌های جمعی و جراید کشور می‌باشیم! همان‌گونه که اشاره شد در نظام حیات اجتماعی اسلام همواره پیشگیری از وقوع جرم مقدم بر اصلاح مجرم است و بر این اساس دارای مبنای عقلانی است و به ضرر ص قاطع می‌توان گفت برای پیشگیری از وقوع جرم، یک‌پنجم آنچه که برای اعمال مجازات هزینه می‌شود، هزینه نمی‌گردد.

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت سبک زندگی، بر وجود روش‌های متفاوت زندگی تأکید داشته و مقایسه و شناخت و تحلیل «شیوه‌های گوناگون زندگی» در میان گروه‌های متفاوت جامعه را نشان می‌دهد. سبک زندگی، شیوه‌ای نسبتاً ثابت است که فرد اهداف خود را به وسیله آن پی می‌گیرد. این شیوه‌ها، حاصل زندگی دوره‌های مختلف زندگی فرد است. به عبارتی سبک زندگی بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است. اما این مفهوم، بیانگر ابعاد خانوادگی و اجتماعی زندگی جمعی در یک جامعه نیز هست و از این منظر می‌توان هویت اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه را منشاء و زمینه شکل‌گیری سبک زندگی دانست. بنابراین امروزه سبک زندگی به شاخصی برای ارزیابی کیفیت حیات ذهنی و عینی افراد، خانواده‌ها، طبقات اجتماعی و جوامع تبدیل شده و از این رو می‌توان آن را برای تحلیل و بررسی این ابعاد در جوامع مختلف به کار گرفت. درنهایت یافته‌های این مقاله نشان داد که نظریه سبک زندگی به واسطه عواملی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. یکی از این فاکتورها نقشی است که افراد در جامعه ایفا می‌کنند و این نقش، بعضاً کمابیش آنها را به سوی بزه‌دیدی می‌کشاند. برای مثال جوانان بیشتر در معرض خطر بزه‌دیدی قرار دارند. زیرا نقش‌های اجتماعی آنها سبب می‌شود بیشتر در محیط‌های مجرمانه و خطرناک و یا در زمان‌های خطرناک رفت و آمد کنند. عامل دیگر تصمیمات افراد در مورد محدوده رفتارهایشان است. افراد با انتخاب فعالیت‌هایی در زمان‌ها و مکان‌هایی

خاص و خطرناک، احتمال بزه دیدگی خود را افزایش می دهند. موقعیت فرد در ساختار اجتماع نیز می تواند در احتمال بزه دیدگی مؤثر باشد چرا که اغلب هرچه افراد دارای موقعیت اجتماعی بالاتری باشند به دلیل فعالیت هایی که انجام می دهند و محیط هایی که به آن رفت و آمد می کنند خطر بزه دیدگی شان پایین می آید.

منابع و مآخذ

قرآن کریم و بعد.....

الف) منابع فارسی

۱. آقاپور، کمال و نوجوان، داوود (۱۳۹۰)، «پیشگیری وضعی از دیدگاه مکتب حقوقی اسلام»، ویژه نامه دومین کارگاه علمی - کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب های اجتماعی تبریز
۲. آقای، اصغر و همکاران (۱۳۸۶)، «رابطه سبک زندگی و رضایت زناشویی در هنرمندان و مقایسه آن با افراد عادی»، فصلنامه دانش و پژوهش در روان شناسی، ش ۲۲، ص ۱۸۱-۱۶۹
۳. اکبری، لیلیا (۱۳۸۰)، بررسی شیوه های پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان در قواعد و اسناد بین المللی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران
۴. سگالن، مایر (۱۳۷۰)؛ جامعه شناسی تاریخی خانواده؛ ترجمه: مجید الیاسی، تهران: نشر مرکز
۵. سید اصفهانی، سید حسام الدین (۱۳۸۸)، «نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان»، تازه های علوم جنایی، تهران، نشر میزان
۶. شوکانی، محمد بن علی بن محمد (بی تا)، نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه
۷. (۱۳۸۳)، درآمدی بر جرم شناسی انتقادی و انواع آن، در علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری، تهران: سمت
۸. فرجی، عماد (۱۳۸۶)، روش های پیشگیری غیر کیفری در مطالعات حقوقی، فصلنامه پژوهش حقوقی، شماره ۱۸، صص: ۶۱-۴۴
۹. کلدی، علیرضا (۱۳۸۱)، انحراف، جرم و پیشگیری، تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال اول، شماره ۳

۱۰. کوسن، موریس (۱۳۸۵)، اصول جرم شناسی، ترجمه میر روح الله صدیق بطحایی، تهران: نشر دادگستر

۱۱. متعارفی، حسین (۱۳۸۳)، « بررسی سبک زندگی قبل از ابتلا به سکته قلبی بیماران بستری در بخش های بعد از سی سی یو در بیمارستانهای دانشگاه علوم پزشکی

تهران»، پایان نامه دکتری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تهران
۱۲. نصیری سقرلو، اقلیمه (۱۳۹۴) نقش سبک زندگی در پیشگیری از جرم، مجمع علمی

و فرهنگی مجد. چاپ اول

۱۳. میر حسن، مرتضی (۱۳۸۵)؛ بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر سبک زندگی

جوانان (مطالعه موردی شهر شیراز)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان

۱۴. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۸۵)، پیشگیری وصفی از بزهکاری بانگاه به سیاست

جنایی اسلام، رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران

۱۵. والکیت، ساندر (۱۳۸۶)، شناخت جرم شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی،

تهران: انتشارات میزان، چاپ اول

۱۶. ویلیامز فرانکی و دیگران (۱۳۸۹)، نظریه های جرم شناسی، ترجمه دکتر حمید رضا

ملک محمدی، نشر میزان، چاپ اول

۱۷. هاستینگ، رس (۱۳۸۹)، پیشگیری از جرم از طریق رشد اجتماعی، ترجمه

جاویدزاده مجله امنیت، شماره ۹ - ۱۰، سال چهارم

ب) منابع لاتین

۱. Adler, A. (۱۹۵۶), *The Individual Psychology of Alfred Adler*, NewYork: Basic Books Inc. American Heritage Dic., (۲۰۰۰).
۲. Bourdieu, P. (۲۰۰۳), *Distinction*, NewYork: Routledge & Kegan paul.
۳. Bugajska, J., Lastowiecka, E. (۲۰۰۵), "Life style, work environment factors and work ability in different occupations", *International Congress Series*, v ۱۲۸۰, p ۲۴۷-۲۵۲

۶. kattryn, T., Dominic, U. (۲۰۰۸), *The Psychology of lifestyle*, london, Routledge,
۵. Parsons, T. (۱۹۸۹), *The Social System*, New York: A Free Press Paper back & acmillan. Pub
۶. Simmel, G. (۱۹۹۰), *The Philosophy of Money*, Tom Bohomer & Pavid Frisby (Trans.), Second enlarged Ed., New York: Routledge
۷. Stark, R. & Bainbridge, W. S. (۱۹۸۵), *The Future of Religion*, University of California Press.
۸. Bennet, Trever (۱۹۹۸). "Crime and Prevention", pp. ۳۷۰-۳۹۰ in: *The Handbook of Crime and Punishment*, Edited by Michael Tonry, New York, Oxford University Press
۹. Clarke, Ronald V, (۱۹۹۵). "Building a Safer Society: Strategic Approaches to Crime Prevention", *Crime and Justice*, Vol. ۱۹: ۹۱-۱۵۰.
۱۰. Felson, Marcus. (۲۰۰۸), "Situational Crime Prevention", pp ۲۹۵-۳۲۰ in *International Handbook of Penology and Criminal Justice*, Edited by Shlomo Giora Shoham, Ori Beck and Martin Kett, New York, CRC Press
۱۱. Gadds, David and Farrall, Stephen (۲۰۰۶). "Criminal career, desistance and subjectivity", *Theoretical Criminology*, vol. ۸ (۲): ۱۲۳-۱۵۶.